

تولی و تبری

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

حُمْدٌ رَّسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ

رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ

سوره فتح، آیه ۲۹

به نام خدای بخشاینده مهربان

محمد ﷺ فرستاده خداست؛ و کسانی که با او هستند در برابر کفار سرسخت و شدید، و در میان خود مهربانند.

رَسُولُ	مَعَهُ	أَشِدَّاءُ
فرستاده	با او	سرسخت و شدید
الْكُفَّارِ	رُحَمَاءُ	بَيْنَهُمْ
کافران	مهربان	میان خود

نمای درس

تولی و تبری چیست؟ ملاک‌ها و معیارهای دوستی و دشمنی چیست؟

سیمای هدایتی آیه

مردم در زندگی خود برای دوستی ملاک‌های مختلفی دارند:

- بعضی مسلمانان دوستی و دشمنی خود را بر اساس دین و دستورات خدا قرار داده‌اند.
- خی دیگر دوستی خود را بر اساس فامیلی، حزب، گروه، مال و ثروت قرار می‌دهند.
- گروهی دیگر انسان‌های بی‌تفاوتی هستند و ملاکی برای انتخاب دوست ندارد و بر اساس منافع شخصی تصمیم می‌گیرند.

خداوند بزرگ در این آیه درباره پیامبر ﷺ و صفاتی که باید او و یارانش داشته باشند سخن گفته است؛ خداوند دستور داده تا محمد ﷺ و یارانش با دشمن با سختی و شدت روبرو شوند و در مقابل، در میان خود و با مسلمانان با رحم و مهربانی رفتار کنند. مسلمان باید مظهر دوستی و دشمنی باشد. خداوند ملاک دوستی و دشمنی را نیز امان و کفر قرار داده، نه قوم و قبیله و مال و ثروت. دوستی با دوستان خدا (تولّی) و دشمنی با دشمنان او (تبرّی) از فروع دین و دو دستور بسیار مهم خداوند به بندگانش است و در دین دارای جایگاه ویژه‌ای هستند. در تعلیمات دین اسلام در رابطه با تولّی و تبرّی روایات بسیار زیادی داریم؛ از جمله این روایات:

- نشانه ایمان، دوستی و دشمنی در راه خداست.^۱
- هرکس دوستی و دشمنی‌اش بر اساس رضایت خدا نباشد، دین ندارد.^۲
- دوستی با مسلمانان و مظلومان جهان (مثل مردم یمن و فلسطین و عراق و...) و نیز دشمنی با مستکبران و ظالمان (مثل آمریکا و انگلیس و اسرائیل و...) بر همه واجب است.



۱. اصول الکافی، ج ۲، ص ۱۲۵، ح ۵.

۲. اصول الکافی، ج ۲، ص ۱۲۷، ح ۱۶.

- یک مسلمان نمی‌تواند دشمن خدا را دوست داشته باشد، هرچند از اقوام و وابستگان بسیار نزدیک او باشد.^۱
- انسان با کسی است که او را دوست دارد؛ اگر با دشمنان خدا باشد، دشمن خداست و اگر با دوستان خدا باشد، دوست خداست.^۲

یا با ما یا با دایی!

یکی از یاران و دوستان امیرالمؤمنین علیه السلام به نام جعفری خاطره‌ای برای دوستانش تعریف می‌کرد:

او می‌گفت: «روزی به نزد امام علی علیه السلام رفتم؛ حضرت با ناراحتی به من فرمود: «چرا با «عبدالرحمن بن یعقوب» در ارتباطی؟»
گفتم: «او دایی من است!»

امام فرمود: «او درباره خداوند سخنان غلطی به زبان می‌آورد؛ او خدا را به اجسام و اوصاف وصف می‌کند» (یعنی اعتقاد دارد که خداوند جسم است؟) سپس امام ادامه داد: «ای جعفری! یا با او همنشین شو و ما را رکن و یا با ما همنشین باش و او را رها کن!»

گفتم: «او هرچه دلش می‌خواهد بگوید؛ وقتی که من به آنچه می‌دید اعتقاد نداشته باشم، چه ضرری برای من دارد؟»

امام به من فرمود: «نمی‌ترسی که عذابی بر او نازل گردد و هر دوی شما را نابود کند!»^۳



۱. لاتجد قوماً یؤمنون بالله و الیوم الآخر یوادون من حادّ الله و رسوله ولو كانوا آبائهم أو ابنائهم أو إخوانهم أو عشیرتهم» مجادله، آیه ۲۲.

۲. اصول کافی، ج ۲، ص ۱۲۶، ح ۱۱.

۳. اصول کافی، ج ۴، ص ۸۲.



إِنَّ وَلِيَّ مُحَمَّدٍ مَنْ أَطَاعَ اللَّهَ وَإِنْ بَعُدَتْ
 لُحْمَتُهُ، وَإِنَّ عَدُوَّ مُحَمَّدٍ مَنْ عَصَى اللَّهَ وَ
 إِنْ قَرَبَتْ قَرَابَتُهُ!

همانا دوست و نزدیک حضرت محمد ﷺ کسی
 است که خدا را پیروی کند، هر چند پیوند نسبی اش
 دور باشد، و دشمن آن حضرت کسی است که خدا را
 معصیت کند، هر چند خویشاوندی اش نزدیک باشد.

یکی از مهم‌ترین ملاک‌های تولی و تبری دوستی و دشمنی با پیامبر اکرم حضرت
 محمد مصطفی ﷺ است. چرا که پیامبر فرستاده خدا است و اوست که از طرف خدا
 مامور هدایت مردم و حکومت بر آن هاست. پس دوستی با پیامبر دوستی با خدا و
 دشمنی با پیامبر دشمنی با خداست.

امام علی علیه السلام در این خطبه به ملاک‌های دوستان و دشمنان پیامبر اشاره می‌کند.
 ملاک دوستی با پیامبر پیروی از دستورات خداست و ملاک دشمنی با خدا سرپیچی
 از دستورات خداست. فامیلی و آشنایی نیز ربطی به دوستی و دشمنی با پیامبر ندارد و
 تنها ملاک اصلی پیروی و یا سرپیچی از فرمان الهی است.

سلمان محمدی

یکی از یاران راستین پیامبر اکرم که همیشه سعی می‌کرد در زندگی رهرو رسول خدا
 و امام علی علیه السلام باشد، جناب سلمان فارسی است. روزی شخصی به نزد امام صادق علیه السلام
 آمد و گفت: سرورم، شما خیلی از سلمان فارسی تعریف می‌کنید؛ دلیلش چیست؟ امام
 صادق علیه السلام فرمود: «نگو سلمان فارسی؛ بگو سلمان محمدی! آیا می‌دانی که چرا زیاد او
 را یاد می‌کنم؟»

مرد گفت: «خیر نمی‌دانم»

امام فرمود: «سه خصوصیت در او وجود داشت؛



اول آنکه همیشه خواست و نظر امام علی علیه السلام را بر خواست خودش ترجیح می داد.
دوم آنکه فقرا را دوست داشت و نشستن و دوستی با آنها را بر دوستی بر ثروتمندان ترجیح می داد.

سوم آنکه علم و علما را دوست می داشت.

در زمان رسول خدا و در جنگ احزاب، دشمنان از گروه‌های مختلف به سوی مدینه لشکرکشی کردند. پیامبر برای مقابله با دشمنان، جلسه‌ای مشورتی تشکیل داد و سرانجام با نظر سلمان فارسی به این نتیجه رسیدند که در ورودی شهر مدینه خندق بکنند تا جلوی ورود دشمنان به داخل شهر را بگیرند. مهاجران و انصار در دو گروه مامور حفر خندق شدند. در این بین سلمان که مردی نیرومند، کاربلد و آشنا به حفر خندق بود، نه جزو گروه انصار بود و نه جزو مهاجران. در آن روز بود که مسلمانان درباره سلمان فارسی با هم مگو مگو کردند. مهاجران می گفتند: «سلمان از ماست» انصار نیز می گفتند: «سلمان از ماست»

در اینجا پیامبر که بیش از همه به عقاید و رفتار سلمان آگاه بود فرمود: سلمان مردی از اهل بیت است!



پرتوی از قرآن صاعد

نیایش ۴۴

وَوَفَّقْنَا لِنِّ... نُسَالِمَ مَنْ عَادَانَا
و ما را توفیق ده که با کسی که با ما دشمنی کرده، صلح
کنیم؛ مگر آنان که در راه تو و برای تو با آنها دشمنی
شده باشد. حَاشَى مَنْ عُدِي فَيَكْ وَلَكَ

یکی از مسائلی که در دین اسلام به شدت توصیه شده است، دوری از قهر و جدال و سوء تفاهم است؛ تا جایی که پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرموده است: «اگر دو مسلمانی با هم قهر کنند و سه روز به قهر خود ادامه دهند و آشتی نکنند، هر دو از اسلام بیرون رفته و میان آن‌ها هیچ پیوند دینی وجود نخواهد داشت و هر کدام از آن‌ها پیش از دیگری با برادرش حرف بزنند، در روز حسابرسی جلوتر به بهشت رود.»^۱

با این حال اگر دشمنی برای خدا باشد، نه تنها دوستی و بخشش معنایی ندارد، بلکه باید با آن‌ها دشمنی کرد و تا وقتی که به سوی خدا بازنگشته و توبه نکرده باشد به این قهر و دشمنی ادامه داد.

عیادت دختر رسول خدا

بعد از غصب خلافت امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَامُ و اتفاقات ناگوار بعد از آن که منجر به سقط جنین و بیماری حضرت فاطمه زهرا عَلَيْهَا السَّلَامُ شد؛ خلیفه اول و دوم چندین مرتبه خواستند که به عیادت دختر رسول خدا بروند ولی آن حضرت اجازه نداد. آن‌ها نزد علی عَلَيْهِ السَّلَامُ آمده و از او خواستند پادرمیانی کند و از فاطمه اجازه عیادت بگیرد؛ علی عَلَيْهِ السَّلَامُ قبول کرد و نظر فاطمه عَلَيْهَا السَّلَامُ را پرسید و از او خواست اجازه ملاقات دهد؛ زهرا عَلَيْهَا السَّلَامُ فرمود: «خانه خانه توست و من همسر تو هستم؛ هر چه می‌خواهی بکن»

آن دو وارد خانه فاطمه عَلَيْهَا السَّلَامُ شدند ولی حضرت زهرا عَلَيْهَا السَّلَامُ روی خود را به سمت دیوار

۱. الکافی، ج ۲، ص ۳۴۵، ح ۵.



پرتویی از قرآن صاعد

نیایش ۴۴

برگرداند؛ خلیفه اول گفت: «ای دختر رسول خدا از ما راضی باش و ببخش؛ خدا از تو راضی باشد».

حضرت فاطمه علیها السلام همان طور که روی خود را به دیوار کرده بود فرمود: «چرا به خانه من آمده‌اید؟»

آن دو بدون آن که بخواهند حکومت را به امام علی علیه السلام برگردانند گفتند: «آمده‌ایم تا به گناه خود اعتراف کرده و از تو طلب بخشش کنیم؛ امیدواریم که گذشت کنی و از ما خشمگین نباشی و کینه به دل نگیری».

فاطمه علیها السلام به آنها فرمود: «سوالی دارم که باید جواب بدهید! آیا شما از پیامبر نشنیده‌اید که فرمود «فاطمه، پاره تن من است و من از او هستم، هر کس او را آزار دهد، من را آزار داده و هر کس من را آزار دهد، خدا را آزرده است؟»

گفتند: «بله، ای دختر پیامبر! ما این حدیث را از پیامبر شنیدیم».

فاطمه دست ایش را به سوی آسمان بلند کرد و گفت: «پروردگارا! آن دو مرا آزار و اذیت کردند، از این دو نفر به تو و پیامبرت شکایت می‌کنم» نه به خدا هرگز از شما راضی نخواهم شد تا که پدرم را ملاقات کنم و از آنچه با من کرده‌اید با خبر نمایم تا او درباره شما قضاوت کند.»

خلیفه اول به شدت از سخن فاطمه ترسید و لرزید و فریاد و اوایلا سر داد؛ اما خلیفه دوم گفت: «ای خلیفه رسول خدا! از حرف یک زن می‌ترسی؟!»^۱

تدبر کنیم

با تدبر در آیات قرآ کریم برقراری رابطه ا کفار را به چهار صورت می توان ترسیم کرد:

الف- تولی يك جانبه؛ مؤمن، سرپرستی و ولایت کافر یا کافرانی را بر خود بپذیرد. بر اساس آیه: «لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» (نساء: ۱۴۱) چنین پیوندی ممنوع است و کافر حق ولایت بر هیچ مؤمنی را ندارد.

ب- تولی دو جانبه؛ هر يك از مؤمن و کافر، دیگری را ولی، ناصر و محب خود بداند. این قسم نیز ممنوع است.

ج- رابطه ی ولایی با کفار در کنار پیوند با اهل ایمان؛ اگر کافران و مشرکان دارای سابقه ی سوء بوده و در رفتارشان نشانه های ضربه زدن نیز باشد، نه تنها قرآن کریم رابطه با چنین کسانی را ممنوع کرده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ تُلْقُونَ إِلَيْهِم بِالْمَوَدَّةِ» (ممتحنه: ۱)؛ بلکه فرمان قتل را نیز صادر کرده است: «وَأَقْتُلُوهُمْ حَيْثُ تَقِفْتُمُوهُمْ وَأَخْرِجُوهُمْ مِنْ حَيْثُ أَخْرَجْتُمُوهُمْ...» (بقره: ۱۹۱)؛ آنان را هر جا یافتید، بکشید؛ زیرا آنان هر گونه دشمنی را نسبت به شما اعمال خواهند کرد: «إِنْ يَتَّقُوا اللَّهَ يَكُونُوا لَكُمْ أَعْدَاءً وَيَبْسُطُوا إِلَيْكُمْ أَيْدِيَهُمْ وَالسِّنَنَّهُمْ بِالسُّوءِ وَوَدُّوا لَوْ تَكْفُرُونَ» (ممتحنه: ۲).

د- پیوند متقابل و عادی با کافران؛ کافرانی هرگز در صدد نابودی اسلام و مسلمین نباشند؛ بلکه خواهان زندگی انی مسالمت آمیز و متق با مسلمین باشند؛ برقراری ارتباط با این نوع از کافران در کنار رابطه با برادران ایمانی بلامانع است: «لَا يَنْهَاكُمْ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَلَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَتُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ» (ممتحنه: ۸).

نکته ترجمه

کلمه أَشِدَّاءُ در زبان عربی جمع شدّید به معنای سرسخت، محکم، استوار و نیرومند و رُحَمَاءُ جمع رَحِيم به معنای مهربان است؛ ولی در ترجمه فارسی به صورت مفرد ترجمه می شود، نه جمع.

«أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ»

ترجمه ناصحیح: بر کافران سرسختان و میان یکدیگر مهربانان

ترجمه صحیح: بر کافران سختگیر و کدیگر مهربانند

پرسش و تمرین

واژگان زیر را ترجمه کنید.



رَسُولُ	مَعَهُ	أَشِدَّاءُ
الْكُفَّارِ	رُحَمَاءُ	بَيْنَهُمْ

عبارت زیر را ترجمه کنید.



واژگان	مُحَمَّدٌ	رَسُولُ	اللَّهِ	وَالَّذِينَ	مَعَهُ	أَشِدَّاءُ	عَلَى	الْكُفَّارِ	رُحَمَاءُ	بَيْنَهُمْ
تحت اللفظی										
ترجمه روان										

ج بر اساس محتوای درس به پرسش‌های زیر پاسخ دهید.

۱. معنای لغوی و اصطلاحی تولی و تبری چیست؟

.....

۲. ملاک‌ها و معیارهای دوستی و دشمنی چیست؟

.....

۳. سه ویژگی بارز سلمان فارسی که باعث برتری او بود را بیان کنید.

.....

کارخواست

با توجه به عصر حاضر، صورت‌های تولی با دوستان خدا و تبری از دشمنان را بررسی و گزارش دهید.

